

برخی از واژه‌های برنامه‌ریزی

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
دفتر برنامه‌ریزی
زمستان ۱۳۸۶

فهرست مطالب

- ۱- سیاست کلی
- ۲- سیاست کلی فرابخشی
- ۳- سیاست کلی بخشی
- ۴- سیاست اجرایی
- ۵- ویژگیهای سیاست‌های کلی
- ۶- چشم‌انداز
- ۷- هدفهای آرمانی
- ۸- محورهای اساسی چشم‌انداز
- ۹- استراتژی (راهبرد)
- ۱۰- احکام برنامه
- ۱۱- برنامه‌های اجرایی
- ۱۲- هدفهای کلی
- ۱۳- هدفهای کیفی
- ۱۴- هدفهای کمی
- ۱۵- منابع و مصارف

در یک نظام آرمانی و هدف‌دار برنامه‌ریزی به معنی عام را می‌توان دربرگیرنده مراتب زیر دانست:

۱- **سیاست کلی:** این سیاست‌ها برای تحقق آرمان‌ها و اهداف پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمانها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند.

۲- **سیاست کلی فرابخشی:** در مواردی است که هدف یا آرمانی حرکت چند بخش را دربر می‌گیرد و برای وصول به آن هدف یا اهداف نیاز به تدوین سیاست‌های کلی می‌باشد و سیاست‌های اجرایی و برنامه چند بخش در قالب این سیاستها تدوین می‌شود.

۳- **سیاست کلی بخش:** در مواردی است که هدف یا آرمانی حرکت یک بخش را در بر می‌گیرد و برای وصول به آن هدف یا اهداف نیازمند تدوین سیاست‌های کلی آن بخش می‌باشد.

۴- **سیاست اجرایی:** مجموعه تدبیرها و سیاست‌هایی هستند که برای تحقق سیاست‌های کلی توسط قوای مختلف کشور و دستگاه‌های اجرایی به موجب و براساس مقررات قانونی تدوین می‌شوند.

۵- **ویژگی سیاست‌های کلی:** با توجه به اینکه سیاست‌های کلی اصول و راهنمای تدوین سیاست‌های اجرایی است دارای ویژگیهای زیر است.

الف) **پایداری:** سیاست‌های کلی باید پس از تعیین و اعلام در یک زمان معین و نسبتاً طولانی ثابت باشند، تا آثار آنها سیاست‌های اجرایی فرابخش و بخشی در برنامه‌ریزی و سپس اجرا ظاهر شوند.

ب) **آینده‌نگری:** آینده‌نگری با توجه به اینکه آثار سیاست‌های کلی در طول چند سال ظهور و بروز می‌یابند، بنابراین این سیاست‌ها باید با وضعیتی که برای سال‌های آتی پیش‌بینی می‌شود و همچنین مورد نظر و هدف است، تدوین و تنظیم شوند.

ج) **واقع‌بینی:** واقع‌بینی در کنار آینده‌نگری باید مورد توجه سیاست‌های کلی باشد. بدین معنی که چون یک نظام در ابتدا نمی‌تواند همه آرمانهای خود را تحقق بخشد، با توجه به اولویت‌ها و امکانات،

هدفهای کوتاه مدت و درازمدت را معین می‌کند به گونه‌ای که پاسخگوی سیاست‌های کلی برای تحقق در آینده دور و نزدیک باشد.

(د) فراگیر بودن: سیاست‌های کلی فراگیر و جامع‌اند و سبب هماهنگی نیروها می‌شوند.

(ه) در عین حال هر یک از اجزای مجموعه سیاست‌های کلی باید متوجه تحقق یکی از اهداف بخش یا فرابخشی و تأمین آنها باشد.

(و) بیانگر خصوصیات اصلی نظام باشد: سیاست‌های کلی بیان‌کننده و نمایانگر آرمان‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ و ... اصلی نظام است.

۶- چشم‌انداز: تصویر سازگاری از آینده ممکن و مطلوب است. هدف نهایی چشم‌انداز معطوف به تبیین گزینه‌های استراتژیک و جهت‌های اصلی تحولات ساختاری - نهادی و ارائه عرصه‌های انتخاب، برای تدوین برنامه‌های میان مدت در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی است.

۷- هدفهای آرمانی: برگرفته از تصویر مطلوب چشم‌انداز بلندمدت کشور است. بیان انتظارات و مقاصدی دست یافتنی که تحقق آن در گرو وفاق عمومی، اراده ملی و تلاش رهبران جامعه و آحاد مردم است.

۸- محورهای اساسی چشم‌انداز: محورهای اساسی چشم‌انداز، مضامینی است که جهت‌گیری‌های عمده و خطوط اساسی تحول بلندمدت نظام را در عرصه‌های مختلف و در مسیر حرکت به طرف جامعه آرمانی مشخص می‌کند.

۹- استراتژی (راهبرد): چارچوبی است که مجموعه حرکات و اقدام‌های اصلی را برای دستیابی به اهداف ترسیم کرده، و نظام کلی اولویت‌گذاری را برای به دست آوردن موقعیت‌های مطلوب و خنثی کردن تهدیدها، در حال و آینده بیان می‌دارد. تدوین استراتژی مستلزم برگزیدن جهت‌گیری کلی توسعه‌ای از میان چارچوب‌های جایگزین است و مبانی و معیارهایی را در اختیار مدیریت خواهد گذاشت، که توان اجرایی و امکان برخورد بهینه با تغییرات محیطی را فراهم می‌سازد.

استراتژی همانطوریکه جهت‌گیری‌های کلی و چارچوب تخصیص منابع یک برنامه را مشخص می‌کند، سیاستها، چارچوبها و خطوط تصمیم‌گیری در انتخاب گزینه‌های مختلف اجرایی استراتژی را نیز برای تحقق هدف فراهم می‌کند.

۱۰- احکام برنامه: سیاستها و تدابیری است که همسو و سازگار با اهداف برنامه است و برای مشروعیت یافتن لازم است در مراجع تصمیم‌گیری (دولت و مجلس) مورد تصویب قرار گیرد.

۱۱- برنامه‌های اجرایی: پروگرامهای اجرایی، مجموعه‌ای از فعالیتهای اصلی و تبعی و طرحها و پروژه‌های مشخص است که برای حذف یک مانع توسعه و یا برای ایجاد یک قطب توسعه طراحی می‌شوند. پروگرامها می‌توانند فرابخشی (کارآمد کردن دولت) یا بخشی (کارآمد کردن بخش خاص) باشند. در برنامه‌ریزیهای هسته‌ای خط‌دهنده «که تحت عنوان Core Planning مطرح است، هسته‌های خط‌دهنده و پروگرامهای اجرایی، کانونهای اصلی اقدام را در برنامه مشخص می‌سازند.

۱۲- هدفهای کلی: در برنامه‌ریزی توسعه هدف عبارت از غایت خواسته‌های جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که منبعت از نظام ارزشهای حاکم بر جامعه است و برنامه‌ها برای دستیابی به آنها تدوین می‌شود. هدف ممکن است کیفی و یا کمی باشد ولی دارای این ویژگی است که در پایان برنامه می‌توان درجه نسبی تحقق آنرا تعیین نمود. هدفهای کلی اصولاً ناظر به دوره زمانی برنامه است و باید طی برنامه محقق شوند. هدفهای کلی برنامه را معمولاً مدیریت عالی نظام مشخص می‌نماید. هدفهای کلی برنامه، لازم است به گونه‌ای مشخص شوند که قابلیت کمی شدن در مراحل بعدی برنامه‌ریزی را داشته باشند.

۱۳- هدفهای کیفی: هدفهایی است که هر بخش در ارتباط با زمینه‌های مختلف فعالیت خود، بطور کیفی تنظیم می‌کند. این اهداف نظیر افزایش کارایی اقتصادی بخش، افزایش کیفیت محصولات یا خدمات بخش و ... است که براساس اهداف کلی برنامه توسعه و همچنین تحلیل

عملکرد گذشته و موجود بخش، پیش‌بینی می‌شوند. هدفهای کیفی برنامه، باید به نحوی تعیین شوند که در پایان دوره برنامه بتوان میزان نسبی تحقق اهداف را مشخص نمود.

۱۴- هدفهای کمی برنامه: هدفهای کمی براساس شاخصهای کمی، هدفگذاری و برای تحقق اهداف کیفی کلان و یا بخش تعیین می‌شوند و براساس آنها وضعیت مطلوب به صورت مقداری یا ارزشی در طول دوره برنامه‌ریزی مشخص می‌شود. در تعیین اهداف باید توجه کرد که این اهداف با توجه به تحلیل دقیق عملکرد گذشته از یک سو و استراتژی کلی برنامه از سوی دیگر، تدوین می‌گردند.

۱۵- جداول منابع و مصارف: استراتژیهای هر برنامه، چارچوب تخصیص منابع را مشخص می‌کند. در هر برنامه توسعه، لازم است تصویری از منابع و مصارف ارزی هم ارائه شود (علاوه بر منابع و مصارف ریالی)